

تبیین اندیشه‌های عقلانی و حیانی آیت الله جوادی آملی درباره تحریف ناپذیری قرآن

علیرضا خنشا*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۷

محمدجواد سامی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۰

چکیده

موضوع تحریف در قرآن بسیار مورد توجه اندیشمندان و علمای اسلام به ویژه بزرگان شیعه قرار گرفته است و از قرون اولیه اسلام تا کنون همواره مورد بحث و مناقشه بوده و تا کنون کتاب‌های فراوان در این باره به رشته تحریر در آمده است. از میان اهل سنت، حشویه و در شیعیان، غلات و عده‌ای کمی از اخباریان (مثل سید نعمت الله جزایری و محدث نوری) قائل به تحریف در قرآن (تحریف به نقیصه) گردیده‌اند. اما اکثریت علمای شیعه و اهل سنت (فریقین) قائل به تحریف ناپذیری قرآن می‌باشند. استاد آیت الله جوادی آملی در آثارشان با نگاهی عقلانی و حیانی و بیانی ژرف و قلمی زیبا و عمیق به این موضوع پرداخته‌اند که در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای با شیوه تحلیلی - مقایسه‌ای به تبیین آن پرداخته شده است.

کلیدواژگان: قرآن، حجیت، تواتر، اجماع، عقل.

ali.khonsha@alumni.ut.ac.ir

msami@shirazu.ac.ir

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

** استادیار دانشگاه هنر شیراز.

نویسنده مسئول: علیرضا خنشا

مقدمه

قرآن اصیل‌ترین و شناخته‌شده‌ترین کتاب در بین ملکبان و ملکوتیان است و خداوند متعال که متکلم به این کلام عالی است خود متعهد به تحفظ آن از آفات بوده و هست ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾. داعیه تحریف و نادرستی اصل قرآن قدمتی طولانی دارد، صرف نظر از علمیت و ارزشمندی ذاتی این بحث، بعضی بر اساس جهالت و بر اساس ضلالت و دشمنی این ادعا را به زبان جاری کرده یا به قلم نشان داده‌اند، گاهی مستشرقان برای اثبات ادعای پوچ خود این بحث را گسترش و ترویج نموده‌اند.

به هر صورت عالمان دینی خصوصاً حافظان حقیقت قرآن، همواره بر این اصل اساسی تکیه کرده و اصرار ورزیده‌اند، و بر نزاهت و پیراستگی قرآن از تحریف استوار مانده و شبهات دامنه تحریف را ابطال نموده‌اند.

امروزه کسانی که بعضاً حتی به قرآن اعتقاد هم ندارند، ادعای تحریف قرآن را به عالمان اسلامی خصوصاً علمای شیعه اسناد می‌دهند و اقوال شاذ و نادر عده‌ای را ملاک سخن قرار داده، با این اتهام بزرگ به دنبال تفرقه در عالم اسلام بوده، اراده دارند تا اصیل‌ترین محور اسلام یعنی قرآن عزیز را از جایگاه و نقش یگانه‌اش بیرون کنند، در حالی که ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمِّتُنُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾.

استاد حکیم و مفسر قرآن حضرت آیت الله جوادی آملی در آثار مختلفشان، هم از منظرهای مختلف به نفوذناپذیری و تحریف ناپذیری بودن قرآن سخن راسخ و قلم استوار رانده‌اند و هم در مقام جواب شبهات و پاسخ از سؤالات برآمده، شبهات باطله و نظرات داحضه آنان را دفع کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

از آنجا که مبحث تحریف در قرآن جزء مباحث مهم و کلیدی اسلام می‌باشد و به حجیت قرآن و ظواهر آن مرتبط می‌باشد، اکثر دانشمندان سنی و شیعه در این باره اظهار نظر کرده و از هر کدام از وجه یا وجوهی به عدم تحریف در قرآن نظر داده‌اند. تنها حشویه از اهل سنت، غلات و کمی از اخباریان مانند جزیری و محدث نوری از شیعیان، قائل به تحریف در قرآن هستند. اما اکثریت علمای شیعه و اهل سنت (فریقین) قائل به تحریف ناپذیری قرآن می‌باشند. از اهل سنت زرکشی (۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۶۵)، سیوطی (۱۴۲۱ق، ج ۱: ۲۶۳)، صبحی صالح (۱۳۷۲، ۵۱)، فخر رازی (۱۴۲۰ق، ج ۲۷: ۵۶۸)، آلوسی (۱۴۱۵ق، ج ۱۲: ۳۷۹) و... و از شیعیان از شیخ طوسی (۱۴۰۹: ۱۳۱)، طبرسی (۱۴۰۹ق، ج ۹: ۲۳) گرفته تا بلاغی (آلاء الرحمن، ج ۱: ۳۰)، و تا علمای معاصر همچون طباطبایی (۱۴۰۳، ج ۱۲: ۱۳۶)، خوبی (۱۴۳۰ق: ۱۶۸)، معرفت (۱۴۱۶ق: ۹۶) و... همگی به عدم تحریف قرآن تأکید نموده و در این باره اظهار نظر نموده‌اند.

تعاریف

ابتدا دیدگاه آیت الله جوادی آملی را درباره تعریف تحریف و انواع آن می‌آوریم. ایشان تحریف را اینچنین تعریف می‌نماید:

«تحریف خارج ساختن چیزی از وضع طبیعی و اصلی آن که در مورد کتب آسمانی به چند صورت ممکن است. تحریف گاهی عملی است و گاهی علمی. تحریف عملی آن است که مفسر دین به گونه‌ای رفتار کند که وقتی دیگران او را می‌بینند، خیال کنند که عمل و رفتار خاص او، خواسته دین از انسان است و تحریف علمی یا به این صورت است که چیزی را بر کتاب الهی اضافه کنند یا از آن مطلبی را کم کنند و یا حرکات و سکنات آن کلمات را تغییر دهند یا بدون کم‌ترین کاهش و افزایش، بلکه با حفظ همه حدود اعراب و بنا، تفسیری که از خودشان درآورده‌اند و مقصود کتاب الهی نیست، بر آن تحمیل کند که مصداق روشن تفسیر به رأی همین است» (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۳۰-۳۲۹)

مشاهده می‌کنیم که حضرت استاد ضمن تعریف تحریف، آن را به دو قسمت عملی و علمی و تحریف علمی را به چهار نوع، تحریف به اضافه، تحریف به نقیصه، تحریف در حرکات و تحریف معنوی، تقسیم می‌نماید. شایان ذکر است که آیت الله خویی در «البيان» و آیت الله معرفت در «علوم قرآنی»، تحریف در اصطلاح را به هفت معنا آورده‌اند: تحریف معنوی، تحریف در موضع و جایگاه، اختلاف قرائت، اختلاف در لهجه، تحریف به تبدیل کلمات، تحریف بالزیاده، تحریف بالنقصه (خویی، ۱۴۳۰: ۱۶۸-۱۶۶؛ معرفت، ۱۳۸۷: ۲۹۶-۲۹۸).

ضرورت اثبات نزاهت قرآن از تحریف

اثبات پیراستگی قرآن از تحریف از جهات فراوانی ضروری است و حضرت علامه در آثارشان به سه جهت آن اشاره می‌نمایند:

الف- دفاع از کیان و اعتبار قرآن: اعتبار رسالت هر پیامبری به معجزه او بستگی دارد و پیامبر اکرم (ص) معجزه رسالت خود و حقانیت اسلام را قرآن برشمرده است؛ از این رو اعتبار اسلام به حقانیت قرآن گره خورده است. همانگونه که ارائه سوره‌ای همسان با سوره‌های قرآن، هم‌اورد طلبی و در نتیجه اعجاز قرآن را در هم می‌شکند، ادعا یا احتمال رهیافت تحریف حتی به کاستی، اعتبار و حجت قرآن را زیر سؤال می‌برد (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۷).

به هر روی با رهیافت احتمال تحریف، فی الجمله تمام آیات قرآنی از اعتبار و سندیت ساقط می‌شوند. آیا با چنین خطر و زیان که شبهه تحریف دارد می‌توان از پاسخ به آن سکوت کرد و از دشمن مشترک که از طرد، طعن و لعن متقابل برادران اسلام شیعه و سنی سود می‌برد، غافل بود؟

ب- پاسخ شبهات معرضان: با پافشاری بر تحریف قرآن دو دسته از معرضان و بدخواهان بهره می‌برند: دسته نخست: مخالفان و معاندان اسلام‌اند (مستشرقانی مثل گلدزیهر) زیرا با چنین شبهه‌ای، اعتبار قرآن و در نتیجه اعتبار اسلام به پندار اینان فرو می‌باشد. دسته دوم مخالفان شیعه‌اند که با متهم ساختن شیعه به پذیرش تحریف قرآن، تلاش می‌کند آنان را از پیکره اسلام جدا سازند. از این رو اثبات عدم تحریف قرآن افزون بر آنکه ریشه شبهه معاندان اسلام را می‌خشکاند، پاسخی در خور به تهمت‌های ناروا به شیعه خواهد بود.

ج- اثبات حجیت ظواهر قرآن و امکان استفاده از مدالیل آیات: احتمال تحریف بخشی از آیات، حجت ظواهر سایر آیات قرآن را زیر سؤال می‌برد. علامه می‌فرماید: «قول به تحریف و عدم عصمت امام، نتیجه‌اش عدم حجیت ظواهر قرآن کریم است و باعث می‌شود قرآن از اعتبار بیفتد و محوریت خود را از دست بدهد و به سرنوشت کتاب‌های آسمانی پیشین مبتلا شود» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

جایگاه مبحث نزاهت قرآن از تحریف

شاید این پرسش به ذهن برسد که میان علوم اسلام، کدام علم وظیفه اثبات نزاهت قرآن از تحریف را بر عهده دارد؟ حضرت استاد سه دانش را عهده دار این مسأله داند: علم تفسیر، علم کلام و علوم قرآنی (جوادی، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۰).

مروری بر آثار

حضرت علامه در بیش از ۹۵ مورد در آثارشان به مسأله تحریف در قرآن پرداخته‌اند از جمله در کتاب «تفسیر تسنیم» جلد‌های ۱، ۱۴، ۱۷، ۱۹ شریعت در آئین معرفت، شمس الوح تبریزی، سروش هدایت جلد ۲ و ۴، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، همتایی قرآن و اهل بیت، قرآن در قرآن، قرآن حکیم از منظر امام رضا(ع)، ادب فنای مقربان جلد ۴ و ۵، مهر استاد، نسیم اندیشه دفتر ۳-۱، و بالأخره شاگردان استاد با جمع‌آوری نظرات ایشان کتب تخصصی در این زمینه نوشته‌اند به نام نزاهت قرآن از تحریف، که به تأیید ایشان رسیده است. بخش چهارم کتاب قرآن در قرآن در موضوع جاودانگی قرآن تنظیم گشته با دو فصل: کمال و خاتمیت و عدم تحریف قرآن.

علامه در فصل دوم به عنوان عصمت و عدم تحریف قرآن می‌فرماید: «از ارکان جاودانگی قرآن، عصمت آن از تحریف است؛ زیر قرآن کامل‌ترین کتاب آسمانی و خاتم آن‌هاست و در صورتی که عصمت آن مورد خدشه باشد و یا حتی احتمال تحریف در آن روا باشد، نمی‌تواند برای عصر حاضر و نسل‌های آینده، نقش هدایتگری ایفا کند» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۱۵).

عصمت ذاتی قرآن

آیت الله جوادی آملی قائل به عصمت ذاتی برای قرآن می‌باشد، ایشان در این باره می‌فرماید: «خدای سبحان نزول قرآن را در مصاحبت حق معرفی کرده است: ﴿بالحق أنزلناه وبالحق نزل﴾ (اسراء/ ۱۰۵) یعنی نزول قرآن و انزال آن از سوی ما در صحبت حق است؛ ارتباط این کتاب با مبدأ فاعلی و نیز پیوندی که با مبدأ قابلی دارد حق است. هم در صحبت حق پایین آمده و هم در مصاحبت حق در قلب رسول اکرم(ص) نشسته؛ هم خدا حق گفت و هم رسول خدا حق یافت و هرگز حق و حقیقت از قرآن جدا نشده است. از آغاز تنزل تا انجام نزولش مصاحب حق است و هیچ باطلی در آن راه ندارد: «لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۱۶).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: آیت الله جوادی آملی یکی از دلایل عدم تحریف قرآن را از عصمت ذاتی قرآن می‌داند و برای این کار به آیات زیر استناد می‌کند.

﴿بالحق أنزلناه وبالحق نزل﴾ (اسراء/ ۱۰۵)

﴿لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه﴾ (فصلت/ ۴۲)

﴿... فإینه یسلک من بین یدیه ومن خلفه رصداً لیعلم أن قد ابغوا رسالات ربهم وأحاط بما لدیهم و

أحصی کل شیء عدداً﴾ (جن/ ۲۷ - ۲۸)

﴿نزل به الروح الامین علی قلبك﴾ (شعراء/ ۱۹۴ - ۱۹۳)

﴿مطاع ثمر آمین﴾ (تکویر/ ۲۱)

﴿تلك آیات الله تلوها علیك بالحق﴾ (آل عمران/ ۱۰۸)

خدای متعال در مسیر وحی، رصد و نگهبانان و فرشتگان ویژه‌ای را اعزام می‌کند که این راه را بیمابند و از پیش و پس وحی آن را کنترل کنند تا در حریم وحی الهی هیچ دخل و تصرفی رخ نهد. همچنین راصدان الهی مراقبت می‌کنند که پس از آنکه قلب حضرت رسول(ص) وحی را دریافت کرد آن را به خوبی حفظ کند و هم به خوبی بر مردم تلاوت کند.

علامه جوادی آملی درباره عصمت پیامبر هم در تمامی مراحل(عصمت در دریافت، حفظ و تلاوت و ابلاغ بر مردم) با استناد به آیه ۱ تا ۴ سوره یس ﴿یس والقرآن الحکیم﴾ انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم می‌فرماید: «رسول اکرم(ص) بر صراط مستقیم و بلکه خود، عین صراط مستقیم است. تمام شئون و وظایف آن حضرت نیز عین صراط مستقیم است. تلاوت و تعلیم، تزکیه و تذکره آن حضرت به دور از افراط و تفریط می‌گردد و در خصوص قرآن، علاوه بر تلاوت، در اخذ و نگهداری آن نیز معصوم از خطا و انحراف و نسیان است» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۱۸ و جوادی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

هماهنگی قرآن حکیم و عترت

یکی از موضوعاتی که از طرف استاد جوادی در مبحث تحریف ناپذیری قرآن مطرح می‌شود، موضوع هماهنگی قرآن و عترت می‌باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «هماهنگی قرآن حکیم و عترت

اطهار و جدایی ناپذیری این دو عنصر، ایجاب می‌کند که مفسر قرآن مجید همواره در محضر سنت معصومان(ع) بوده و هرگز هیچ کدام را بدون همراه ضروری وی مطالعه نکند، یعنی هم «حسبنا کتاب الله» که به منظور محروم کردن امت اسلامی از علوم اهل بیت گفته شد، نغمه مشئومی است و هم پندار باطل تحریف قرآن که زمینه زمزمه «حسبنا السنه» را فراهم کرد، آهنگ منحوسی است»(جوادی، ۱۳۹۳: ۲۲ و جوادی، ۱۳۸۱: ۲۲).

همچنین استاد در آثار دیگرشان در این باره می‌فرمایند: «نظریه مردود و ساختگی تحریف به جدایی از عترتی حکم می‌کند که از هر جهت مصون و معصوم است و بنابراین رد می‌شود»(جوادی، ۱۳۸۲: ۶۷).

دلایل استاد در تحریف ناپذیری قرآن

استاد در خلال بحث‌های مختلف در آثارشان به موارد زیر اشاره می‌نمایند: دلایل قرآنی، دلایل عقلی، شهادت تاریخ، وجود روایات صیانت قرآن از تحریف، حدیث ثقلین، روایات تلاوت سوره کامل در نمازها و روایات فضایل سوره، تواتر قرآن و شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین.

الف: دلایل قرآنی

سوره فصلت آیات ۴۱-۴۲

ایشان در ذیل آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابًا عَزِيزًا ۚ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ

حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾

می‌فرماید:

این کتاب به دلیل عزیز بودن و تنزیل از ناحیه خدای حکیم حمید، باطل شدنی نیست و از همه جوانب مصون از بطلان و همواره معزز و محمود است، چون تنزل از عزیز مایه عزت و تنزیل از حکیم مایه حکمت و تنزیل از "حمید" پایه محمدمت است و کتاب محرف(تحریف شده) واحد هیچ کدام از این سه وصف ممتاز نیست(جوادی، ۱۳۷۵: ۳۳۴).

قرآن کریم حق محض است نه در حین نزول و نه در زمان رسول خدا(ص) و نه بعد از آن، هرگز بطلانی در آن راه نیافته و نخواهد یافت.

اندیشمندان اسلامی زیادی از شیعه و سنی به این آیه برای صیانت قرآن از تحریف، استدلال نموده‌اند از جمله: طوسی در «التبیان»(ج۹: ۱۳۱)، طبرسی در «مجمع البیان»(ج۹: ۲۳)، طباطبایی در «المیزان»(ج۱۷: ۳۹۸)، فخر رازی در «مفاتیح الغیب»(ج۲۷: ۵۶۸)، آلوسی در «روح المعانی»(ج۱۲: ۳۷۹)، خوبی در «البیان»(ص۱۷۶)، معرفت در «تاریخ قرآن»(ص۹۶).

آیه حفظ

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر / ۹)

آیت الله جوادی آملی در اثبات تحریف ناپذیری قرآن توسط این آیه می‌فرماید: «در این آیه کریمه سه بار فرموده است: ما چنین کرده و می‌کنیم که نشان‌دهنده اهمیت مسأله است و افزون بر این، چند تأکید نیز در آیه آمده که کلمه آن، ضمیر منفصل نحن و لام تأکید می‌باشد» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۳ و همو، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

ایشان در ادامه درباره معنا و مقصود از حفظ می‌فرماید: «ما قرآن را به صورت ذکر محفوظ نازل کردیم و در آینده نیز آن را از تصرف و زیاده و نقصان، حفظ می‌کنیم. کارهایی که خدای سبحان به خود نسبت می‌دهد، ریشه صفت مشبهی دارد گرچه به صورت اسم فاعلی شان باشد و کلمه "حافظون" نیز معنای حفظ مستمر را که مناسب با ذات اقدس اله است می‌رساند» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۴).

این آیه نیز مانند آیه قبل، مورد استناد و استدلال فراوانی توسط علمای فریقین قرار گرفته است از جمله فخر رازی در «مفاتیح الغیب» (ج ۱۹: ۱۲۳)، آلوسی در «روح المعانی» (ج ۷: ۲۶۳)، طوسی در «التبیان» (ج ۶: ۳۲۰)، طبرسی در «مجمع البیان» (ج ۶: ۵۰۹)، طباطبایی در «المیزان» (ج ۱۲: ۱۰۱)، خوبی در «البیان» (۱۷۴) و معرفت در «تاریخ قرآن» (۹۶).

پس به طور کلی می‌توان گفت در استدلال به این دو آیه (نفی باطل و حفظ)، برای صیانت قرآن از تحریف، بین علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی، اجماع وجود دارد.

نور بودن قرآن با استناد به آیات

﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده / ۱۵)

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف / ۸)

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَيْنِ أَنْ نَكْفُرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (توبه / ۳۲)

حضرت استاد درباره چگونگی و شرح این آیات می‌فرماید: «از بین بردن قرآن کریم و خاموش کردن این نور الهی به یکی از دو صورت محقق می‌شود: یا قرآن را از اساس نابود کنند و یا آن را به صورت کتابی تحریف شده در بین مردم باقی گذارند که نتواند هدف و رسالت اصلی خود را ایفا کند، بلکه مردم را به ضلالت و گمراهی بکشاند» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۳۹). «پس آیه اطفاء نور الهی، هم بیان می‌کند که دشمنان قرآن با آرزوی خام کم یا زیاد کردن در پی تحریف قرآن برآمده‌اند و هم اثبات می‌کند که هرگز خواسته‌های برخاسته از آرزوی خام آن‌ها عملی نخواهد شد و خداوند از نور خود، یعنی قرآن حفاظت خواهد کرد» (جوادی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). این آیات نشان می‌دهد که خداوند قرآن را نوری می‌داند و آن را برای همیشه حفظ می‌نماید. شایان ذکر است که این آیات توسط دیگر علمای اسلامی در موضوع تحریف مورد استناد قرار نگرفته است و حضرت استاد جوادی با نگاهی عقلانی و حیانی با استنباط از آن‌ها، عصمت قرآن از تحریف را ثابت نموده است.

آیه کریمه رصد(جن / ۲۸ و ۲۷)

﴿...فإنه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصداً ليعلم أن قد أبلغوا رسالات ربهم وأحاط بما لدیهم و

أحصی کل شیء عدداً﴾ (جن / ۲۷ - ۲۸)

حضرت استاد درباره کاربرد این آیه می‌فرماید: «از آیاتی که دلالت بر حفظ قرآن از بطلان و تحریف دارد، آیه کریمه رصد است. این آیه بیان می‌کند که قرآن از مرحله تلقی تا مرحله ابلاغ به مردم در تمام اعصار، تحت نظارت و مراقبت الهی بوده و هست و احتمال راهیافت تحریف در قرآن، مستلزم آن است که این مراقبت به صورت ناقص انجام گرفته یا خارج از علم الهی تحقق یافته است و فرض چنین اموری درباره خدا محال است» (جوادی، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

این آیه شریفه نیز، کم‌تر مورد استناد سایر مفسرین قرآن قرار گرفته است و حضرت استاد با اندیشه عقلانی ویژه‌ای، برای اثبات عدم تحریف قرآن به آن اشاره و استدلال نموده است.

افترا ناپذیر بودن قرآن با استناد به آیه ﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (یونس / ۳۷)

حضرت استاد در ادامه مباحثشان برای اثبات عدم تحریف در قرآن دلیل دیگری اشاره می‌نمایند: «منکران وحی انواع تهمت‌ها را به رسول خدا و قرآن کریم می‌زدند گاهی می‌گفتند قرآن، شعر است و پیامبر شاعر! گاهی قرآن را سحر و پیامبر را ساحر می‌دانستند، زمانی می‌گفتند دیگران او را تعلیم می‌دهند که این اساطیر را بگوید و گاهی هم قرآن را افترا می‌دانستند که پیامبر بر خدا بسته است. ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً...﴾ (احقاف/۸): «ای پیامبر بگو اگر من به دروغ سخنی را به خدا نسبت داده باشم، مشمول قهر خدا می‌شوم و شما نمی‌توانید مرا از قهر خدای سبحان نجات دهید» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۲۷).

همچنین علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «پس اینکه در آیه مورد بحث فرمود: ﴿وَ مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ خواسته است شأنیت افترا را از قرآن کریم نفی نموده، همانطور که دیگران نیز گفته‌اند خواسته است بفرماید: قرآن چیزی نیست که بتوان به آن افتراء بست و گفت که این کتاب از ناحیه خدا نبوده و به افترا به خدا نسبت داده شده. و این تعبیر بلیغ‌تر از آن است که نفی فعلیت نموده بفرماید: این قرآن به ناحق به خدا نسبت داده نشده، و حاصل معنای آیه این است که شأن قرآن چنین نیست، و در این صلاحیت نیست که ساخته و پرداخته غیر خدا باشد، و به افترا به خدا نسبت داده شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶۳).

حضرت استاد جوادی در ادامه می‌فرماید: «این قرآن از آنجا که معجزه و کلام خدای متعال است، امکان مثل آوری ندارد، هیچ کس نمی‌تواند مانند آن سخن بگوید و مجعول خود را به جای کلام الهی جا بزند. اگر قرآن معجزه است، دیگران از آوردن مثل آن و یا تحریف و تصحیف و دست بردن در آن عاجزند. چه کسی می‌تواند مانند قرآن که عصاره جهان هستی است جعل کند، همانطور که کسی

نمی‌تواند کیهان و کهکشان و منظومه شمسی بسازد، جعل چیزی به نام قرآن و کلام الهی ممکن نیست» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۲۸).

مشاهده می‌کنیم که حضرت آیت الله جوادی به تبع استادش علامه طباطبایی، مانند سایر مفسرین مثل فخر رازی (۱۴۲۰ق، ج ۱۷: ۲۵۲). با استفاده از این آیه، با اثبات اعجاز و معجزه و قدرت تحدی قرآن، امکان تحریف و تصحیف در قرآن را باطل و رد می‌نمایند.

توهم تحریف قرآن و دفع آن در ذیل تفسیر آیه ۱۲۷ سوره نساء

استاد علامه جوادی آملی در ذیل تفسیر ﴿وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء﴾ می‌فرماید: «برخی پنداشته‌اند که نزدیک یک سوم قرآن کنونی یعنی ده جزء، از آیه مورد بحث حذف شده است؛ یعنی ده جزء از قرآن که درباره حوادث و صفات منافقان و دشمنان اهل بیت (ع) بوده است و بین جمله و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی و جمله فانکحوا ما طاب لکم من النساء از آیه مورد بحث قرار داشته حذف شده است، به روایت ضعیف نیز استناد کرده‌اند زیرا شرط و جزای آیه را فاقد تناسب گمان کرده‌اند» (جوادی، ۱۳۹۲: ۲۵۰). حضرت استاد شرط و جزای آن را کاملاً متناسب می‌داند و می‌نویسد که در این آیات درباره یتیمان دو مسأله به طور جداگانه مطرح شده است.

۱- مسأله مالی آن‌ها که در آیات ۹، ۶، ۲ و ۱۰ آمده است.

۲- مسأله تشکیل خانواده و ازدواج با یتیمان که محور آیه مورد بحث است و آیه مورد بحث می‌فرماید: اگر در اجرای عدالت در مورد دختران یتیم بیمناک هستید از ازدواج با آنان چشم‌پوشی و با زنان دیگر ازدواج کنید» (جوادی، ۱۳۹۲: ۲۵۱).

حضرت استاد در ادامه بحث این آیه می‌فرماید: «با این بیان، تناسب شرط و جزا در آیه شریفه مشخص است و ادعای تحریف قرآن بی‌اساس، سپس ادامه می‌دهد: «گفتمنی است که توهم تحریف قرآن کریم بسیار نارواست زیرا بر اساس ادله عقل متقن و نیز آیات قرآن و روایات معتبر، بطلان آن به اثبات رسیده است» (جوادی، ۱۳۹۲: ۲۵۱).

سایر اندیشمندان اسلامی از جمله آیت الله معرفت در کتاب‌های «صیانة القرآن من التحریف» و «علوم قرآنی» به این موضوع اشاره نموده و با استفاده از تفسیر و شرح این آیه، به اثبات تحریف ناپذیری قرآن پرداخته‌اند (معرفت، ۱۳۷۹: ۳۸-۳۹ و همو، ۱۳۸۷: ۳۰۲).

ب: تواتر قرآن

آیت الله جوادی یکی از دلایل عدم تحریف را مسأله تواتر قرآن می‌دانند، ایشان می‌نویسند: «مسلمانان اتفاق نظر دارند که صدور قرآن کنونی، قطعی است و به تواتر از نسل‌های پیشین به نسل‌های بعدی منتقل شده است و این انتقال به صورت‌های مختلف اعم از حفظ قرآن در سینه‌ها، قرائت مستمر آن، کتابت قرآن و مانند آن بوده، بر اساس این تواتر مسلمانان معتقدند که مصحف

کنونی بی کم و کاست از زمان پیامبر اکرم(ص) تا امروز به دست آنان رسیده است و با وجود چنین تواتری، برای شبهه تحریف جایی نمی‌ماند»(جوادی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). سایر دانشمندان اسلامی نیز به مسأله تواتر قرآن اشاره نموده‌اند. محقق قمی از بزرگان شیعه می‌گوید: «اما تواتر همه قرآن و وجوب عمل به آنچه امروز پیش روی ماست، شکی در آن نیست و شبهه‌ای بر آن وارد نیست»(قمی، ۱۳۷۴: ۴۰۳).

آیت الله معرفت نیز بیان می‌دارد: «بدون تردید قرآن که وحی خداوند حکیم است، در میان همه مسلمانان متواتر است؛ تواتری قطعی در تمام سوره‌ها، آیات و کلمات، به شکلی که اگر کلمه‌ای با کلمات آن جایگزین شود، یا حتی کلمات آن با یکدیگر عوض شوند، مسلمانان آن را نمی‌پذیرند و آن را انکار می‌کنند و آن تغییر یافته را سخنی به دور از اسلوب کلام الهی می‌دانند»(معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۰). به طور کلی می‌توان در مسأله تواتر قرآن، ادعای اجماع بین اندیشمندان فریقین نمود.

غزالی(احیاء العلوم، ۱۴۱۷ق: ۱۱۲-۱۱۳)، زرکشلی(البرهان، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۶۵)، سیوطی(۱۴۲۱ق، ج ۱: ۲۶۳)، صبحی صالح(۱۳۷۲: ۵۱)، طوسی(۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۳)، صدوق(۱۴۱۴ق: ۹۲)، طبرسی(۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳)، علامه بلاغی(آلاء الرحمن، ج ۱: ۳۰)، خوئی(البیان: ۱۲۳)، علامه طباطبایی(۱۴۰۳، ج ۱۲: ۱۳۶) همگی به مبحث تواتر قرآن اشاره نموده‌اند.

ج. شهادت تاریخ بر عدم تحریف

در ادامه بحث از دلایل استاد درباره مبحث تحریف ناپذیری قرآن، به یک دلیل تاریخی می‌رسیم که ایشان قائل‌اند که تاریخ اسلام به عدم تحریف پذیری قرآن شهادت می‌دهد. استاد می‌فرماید: «تاریخ اسلام نشان می‌دهد که تلاش‌های منحرفان برای تحریف قرآن هیچ گاه ثمر نداده است، نظیر ماجرای معروف تاریخی که درباره آیه کریمه ﴿وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ﴾ رخ داد، معاویه در شام تصمیم گرفت که "واو" پیش از کلمه "الذین" کم کم در جلسات حفظ و قرائت قرآن خوانده نشود و پس از مدتی به طور کلی آن را از کتابت قرآن بردارد. معاویه قصد داشت که با برداشتن "واو" چنین وانمود سازد که در قرآن ذخیره طلا و نقره و انفاق نکردن آن که خود و برخی دیگر بدان مبتلا هستند تنها برای احبار و رهبان مذموم است و عذاب الهی را به دنبال خواهد داشت تا به این حيله بتواند از اعتراضاتی که به او و دیگران می‌شد رهایی یابد. در اینجا بود که ابن ابی کعب شمشیر را بر دوش نهاد و گفت "لا أضع سيفي عن عاتقي حتى توضع الواو في محلها" شمشیر را از دوشم پایین نمی‌آورم تا اینکه "واو" در آیه معهود در جای خود گذاشته شود»(جوادی، ۱۳۷۵: ۳۳۷).

نمونه دیگر ذکر شده توسط استاد، جریان حذف "واو" توسط خلیفه دوم در آیه ۱۰۰ سوره توبه ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ که با مخالفت زید بن ثابت و ابن ابی کعب روبه‌رو گردید.

اکثر مفسران و اندیشمندان اهل سنت این دو ماجرا را گزارش کرده‌اند: مالک در «موطا» (ج ۲: ۸۲۴)، فخر رازی در «مفاتیح الغیب» (ج ۱۹: ۱۶)، طبری در تفسیرش (ج ۱: ۷)، سیوطی در «الدر المنثور» (ج ۳: ۲۳۲)، ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه» (ج ۲: ۵۳)، قرطبی در تفسیرش (ج ۱: ۸۴) و ...

د. دلایل عقلی بر رد تحریف قرآن

۱- حکمت الهی

استاد دلیل عقلی رد تحریف را اینگونه بیان می‌نماید: «به حکم عقل، آخرین کتاب هدایت بشر "قرآن" باید از هرگونه تحریف مصون باشد. چون سلسله پیامبران به پایان رسیده و راه وحی بسته شده است و در صورت تحریف آخرین کتاب آسمانی مردم گرفتار گمراهی و تباهی خواهند شد، و این با لطف و حکمت الهی و نیز با برهان نبوت عام سازگار نیست که اقتضا می‌کند خدای تعالی در هر زمانی مردم را به دست فرستادگانش هدایت کند، زیرا عقلاً محال است که خداوند آخرین پیامبر و کتاب خود را بفرستد و آن‌ها تحریف شوند: اما پیامبر و کتاب دیگر نفرستد» (جوادی، ۱۳۹۲: ۲۵۲).

۲- عدم حجیت قرآن با وقوع تحریف

علامه معتقد است در صورت بروز نقصان و تحریف در کلام الله مجید این اولین منبع و سند دین، حجیت آن ساقط می‌شود، و از آنجا که حجیت قرآن امر بدیهی است لذا وقوع تحریف در آن طرد و رد می‌شود ایشان در این باره می‌فرماید: «قرآن حجت خداست و حجیت آن ذاتی است و این کتاب الهی اولین منبع و سند دین است لذا شبه تحریف لفظی قرآن باعث سقوط قرآن از حجیت می‌شود» (جوادی، ۱۳۹۲: ۹۸).

۳- اصل اتمام حجت و هدایتگری مردم

آیت الله جوادی یکی از دلایل عقلی تحریف ناپذیری قرآن را اصل اتمام حجت و هدایتگری مردم می‌داند و می‌نویسد: «با احتمال تحریف، نه تنها حجت قرآن و کامل بودن حجت خدا بر مردم زیر سؤال می‌رود، بلکه دوام نبوت و استمرار رسالت پیامبر (ص) نیز مورد اشکال خواهد بود. بر این اساس، از نظر عقل برهانی، خاتمیت رسالت پیامبر اسلام (ص)، با عدم امکان راهیابی هرگونه تحریف در قرآن برای بقاء اصل اتمام حجت بر مردم و هدایتگری آنان، ملازمه کامل دارد» (جوادی، ۱۳۸۲: ۴۴).

۴- دلیل عقلی دیگر با استناد به آیات تحدی و اعجاز

آیت الله جوادی آملی معتقد است تحقق تحریف لفظی به فزونی، تحدی و اعجاز قرآن را در هم می‌شکند و در نتیجه قرآن را که اساسی‌ترین سند منحصر حجیت اسلام در دوران ماست، از اعتبار می‌اندازد؛ زیرا قرآن تنها معجزه زنده و جاوید اسلام است که می‌تواند حقانیت و جاودانگی اسلام را حفظ کند و به رغم گذشتن قرن‌ها از رحلت پیامبر(ص)، همچنان به عنوان سند متقن و اعتبار قطعی اسلام نقش آفرینی نماید. چنین تأثیری بر اعجاز قرآن متکی است و اعجاز قرآن نیز از تحدی و هم‌آورد طلبی و هم‌آوردی دعوت کرده است و چون آنان تا کنون پاسخی جز ناتوانی به این درخواست نداده‌اند و همواره نیز چنین خواهد بود، پس اعجاز قرآن ثابت می‌شود.

پس اکنون، اگر کسی ادعا کند، در مصحف کنونی بخش‌های غیر قرآن و ساخته بشری راه یافته، این را اعجاز و تحدی قرآن سازگار نیست و رد می‌شود(جوادی، ۱۳۸۲: ۴۵). اینچنین است که اکثر علمای اسلام بر تحریف لفظی قرآن به فزون را معقول ندانسته، آن را نپذیرفته‌اند. همچنین استاد در پاسخ به این پرسش که چه دلیلی وجود دارد که قرآن نیز مانند دیگر کتب الهی، تحریف نشده باشد، می‌فرماید:

«تحریف دو قسم است: لفظی و معنوی. تحریف معنوی همان تفسیر به رأی است که وقوع آن انکارناپذیر است. این مسأله به محتوای قرآن کریم کاری ندارد و نقصی بر آن محسوب نمی‌شود. تحریف لفظی نیز یا با اضافه کردن است یا با کاستن. از آیات تحدی و مبارزه طلبی قرآن معلوم می‌شود که هیچ کس نمی‌تواند، لفظی را هم پای قرآن بسازد و به گونه‌ای که معلوم نشود در آن جای دهد در این مورد همه عالمان شیعه و سنی اتفاق نظر دارند. در مورد کاستن نیز آیات تحدی اینگونه است که تمام قرآن را شامل می‌شود و به مقدار موجود تحدی نمی‌کند در صورت کاستن شدن، شخصی می‌تواند در مورد تحدی یا هماهنگی نسبت به همان حذفیات مناقشه کند و این با اعجاز قرآن منافات دارد و مردود است» (جوادی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

هـ- شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین

استاد جوادی یکی دیگر از دلایل عدم تحریف قرآن را شهرت محققه به گواهی دانشمندان شیعه و سنی می‌دانند. ایشان بیان می‌نمایند: «شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین که به حد اجماع یا اتفاق پژوهشگران اسلامی می‌رسد و مفید یقین است و بر صیانت قرآن از تحریف دلالت دارد»(جوادی، ۱۳۸۸: ۱۳۳).

سایر اندیشمندان اسلامی از جمله آیت الله معرفت(معرفت، ۱۳۸۷: ۳۰۷-۳۰۵) نیز به این دلیل اشاره می‌نمایند.

برخورد با روایات تحریف

حضرت استاد علامه جوادی آملی درباره وجود روایات تحریف در برخی از کتب حدیثی، قائل به تأویل یا طرح و رد آن روایات می‌باشد و می‌فرماید: «در این میان اگر روایاتی دلالت بر تحریف قرآن داشته باشد، به سه دلیل لازم است آن روایات را تأویل یا طرح و رد کرد:

- الف- چنین روایاتی بر خلاف حکم قطعی عقل و دلیل لیبی است.
- ب- بر اساس دستور صریح و متواتر ائمه روایاتی را که مخالف قرآن یا سنت قطع باشد باید قبول نکرد که روایات تحریف نیز از آن جمله روایات می‌باشد.
- ج- بسیاری از روایات تحریف، مرسل است و بسیاری مقطوع السند و سند بسیاری مجهول و مرفوع است» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۶).

ایشان در ادامه به نکات جالبی اشاره کرده و می‌فرمایند:

«بنابراین بخشی از روایات تحریف، به طور مسلم روایاتی جعلی است که بحثی در آن‌ها نیست و این موارد را باید طرح و طرد کرد. گروه دیگر، روایاتی است که برخی مربوط به تفسیر به رأی و تحریف عملی است نه تحریف لفظی و برخی دیگر مربوط به شأن نزول و تطبیق و تأویل آیه است نه تحریف قرآن و بعضی دیگر که عبارت "اصحاب العربی" در آن‌ها آمده درباره اختلافات قرائات است و بالأخره آن دسته از روایاتی که حاکی از تفاوت قرآن دست‌نوشته حضرت امیر المؤمنین (ع) با قرآن موجود است که بر اساس ترتیب نزول نگارش یافته بود».

بخشی دیگر روایاتی است که مفاد آن‌ها این است که علم ظاهر و باطن، تأویل و تنزیل و علم همه قرآن اعم از ناسخ و منسوخ و غیر آن پیش ائمه (ع) است که این نیز غیر از تحریفات قرآن و کم و زیاد شدن آیات آن است، و اگر فرض شود که این روایات، ظاهر در تحریف لفظی قرآنی باشند، حتماً باید بنا به همان دلایل سابق یعنی مخالفت با عقل قطعی و قرآن، آن‌ها را به تحریف معنوی و تفسیر به رأی و مانند آن تأویل کرد (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۷).

سایر اندیشمندان اسلامی نیز به این موضوع اشاره نموده اند، مثلاً آیت الله خویی در برخورد با روایات تحریف، ضمن تقسیم بندی آن‌ها در چهار دسته، به بررسی و رفع شبهه و جواب آن‌ها می‌پردازد و می‌فرماید: «اولاً: تحریفی که از این روایات استفاده می‌شود، غیر از آن تحریف است که مورد بحث و گفت‌وگوی ماست. و ثانیاً: اکثر روایات از نظر سند ضعیف و غیر قابل اعتماد می‌باشند» (خویی، ۱۴۳۰ق: ۱۹۲).

آیت الله معرفت نیز روایات تحریف را به پنج دسته تقسیم می‌نماید و آن‌ها را اکثراً دارای ضعف سندی و محتوایی یا معنایی غیر از معنای اصطلاحی تحریف یا معنای تحریف معنوی یا عدم وجود نام ائمه و توجه به فضایل اهل بیت در قرآن، تأویل می‌نماید» (معرفت، ۱۳۷۹: ۲۶۷-۲۶۳).

وجود روایات صیانت قرآن از تحریف

حضرت آیت الله جوادی آملی (در باره رد روایات تحریف) قائل به وجود پنج دسته از روایات می‌باشد که از مجموعه آن‌ها به طور قطع ثابت می‌شود که قرآن کریم تحریف نشده است:

۱- روایاتی که سیره عملی ائمه (ع) در استفاده از قرآن و استدلال به آن را نشان می‌دهد. ایشان می‌فرماید: «معصومین در مقام استدلال برهانی، در مقام مشاوره و در احتجاج بدلی به همین قرآن تمسک می‌کردند و هیچ کس نمی‌گفت که شاید این آیه کریمه که با آن استدلال می‌کنید دست خورده باشد یا آیاتی حذف شده باشد که در معنای این آیه دخالت داشته باشند» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۷).

۲- روایاتی که به ما فرموده‌اند در حوادث سخت و فتنه‌های روزگار به این کتاب پناه ببرید. استاد می‌فرماید: «اگر قرآن کریم تحریف شده باشد، خود کتابی فتنه زده است، اینکه قرآن کریم به فرمایش معصومین (ع) راهگشای مشکلات است، نشانگر آن است که خود از هرگونه تحریفی مصون بوده و خواهد بود» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۸).

۳- روایات "عرضه به کتاب" حضرت علامه می‌فرماید: «امامان معصوم (ص) به همه ما دستور داده‌اند که برای استفاده از روایات و اطلاع یافتن از صحت و سقم حدیث آن را به قرآن عرضه کنید: اگر مخالف کتاب الله بود آن را طرح و طرد کنید» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۸).

۴- وجود حدیث متواتر ثقلین: حضرت علامه حدیث ثقلین را قوی‌ترین دلیل در میان روایات برای تحریف ناپذیری قرآن می‌داند و می‌نویسد: «نصوص ثقلین متواتر بین شیعه و سنی است و قوی‌ترین روایاتی که دلالت بر عدم تحریف قرآن کریم دارند» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۸).

ایشان در ادامه می‌فرماید: «قرآن کریم به دلیل ضرورت تمسک مسلمین به آن مصون از هرگونه تحریف و دخل و تصرف است و قرآن و عترت از یکدیگر جدا شدنی نیست و دو ثقل به هم پیوسته و دو جبل در هم تنیده الهی‌اند که تنها راه هدایت بشر، تمسک به این دو ثقل در کنار یکدیگر است و بس» (جوادی، ۱۳۷۵: ۳۴۹).

حضرت آیت الله جوادی در تفسیر گرانسنگ «تسنیم» با استناد به روایتی از امام محمد باقر (ع) نشان می‌دهد که امام زمان هم همان آیاتی می‌خواند که در قرآن موجود عیناً همان آیات وجود دارد ایشان می‌فرماید: «امام عصر (عج) به هنگام ظهورشان در استدلال بر اینکه آن حضرت (ع) شایسته‌ترین مردم به نوح و ابراهیم (ع) است به این آیه شریفه با همین قرائت مرسوم (ان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین، استدلال می‌کند» (جوادی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

۵- روایات تلاوت سوره کامل در نمازها و روایات فضایل سوره: در روایات بسیاری به خواندن سوره کامل در نماز امر شده است و امامان معصوم بر آن تأکید نموده‌اند، اگر قرآن دچار تحریف و نقص شده باشد چگونه امامان معصوم (ع) از مسلمانان می‌خواهند که در نماز، سوره‌ای کامل بخوانند (در صورت وجود نقص در سوره‌ها، نماز مسلمین دچار مشکل می‌شود).

روایات فضایل سوره‌ها نیز در صورتی معنا خواهد داشت که سوره‌های قرآن در مصحف کنونی، کامل باشد، زیرا این فضایل و خواص بر سوره‌های کامل مترتب است و با نقص شدن سوره، این فضایل و خواص بر آن‌ها مترتب نخواهد شد (جوادی، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۴۵).

بررسی قول اختلاف قرائت موجب تحریف در قرآن

استاد به بیانی شیوا و عمیق میان اختلاف قرائت و عدم تحریف جمع می‌بندد و قرآن را واحد ولی اجازه قرائت‌های مختلف نیز از ناحیه خدا می‌داند ولی قرائت از معصوم را معتبرتر و دارای پشتوانه الهی می‌داند. حضرت علامه در این باره می‌فرماید:

«برخی می‌پندارند اختلاف در قرائت برخی کلمات قرآنی مستلزم قول به تحریف قرآن است. به دلیل اینکه قرآن طبق یکی از آن قرائت‌ها نازل شده است. در حالی که بر فرض تسلیم که قرآن یک طور نازل شده است؛ اما نکته آن است که اجازه قرائت آن به چند گونه دیگر نیز از طرف خداوند صادر شده است، بنابراین همه آن قرائت‌های مأثور و مجاز طبق وحی است و روایاتی که چند جور قرائت مأثور را مشروع و مجاز می‌شمارد، معنایش این است که همه آن چند گونه به اذن خداوند قائل قرائت است گرچه آنچه مستقیماً در قالب وحی قرآنی بر پیامبر (ص) نازل شده یکی از آن قرائت‌ها بوده است زیرا تجویز معصوم پشتوانه الهی دارد» (جوادی، ۱۳۹۲: ۵۰).

مقایسه اندیشه‌های استاد جوادی آملی با استاد خوئی و معرفت

همانطور که در قسمت تعریف گفتیم آیت الله خوئی و معرفت تحریف در اصطلاح را هفت مورد (معنوی، اختلاف لهجه، اختلاف قرائات، موضع و جایگاه، زیاده و نقیصه) تقسیم بندی می‌نمایند. اما آیت الله جوادی تحریف را دو نوع عملی و علمی، و تحریف عملی را چهار نوع (معنوی، زیاده، نقیصه و تحریف در حرکات) می‌دانند.

آیت الله جوادی آملی در مقایسه با سایر اندیشمندان اسلامی از جمله آیت الله خوئی و معرفت، دلایل عقلی زیادی در مورد تحریف ناپذیری قرآن بیان می‌نمایند و روی نگرش عقلی تأکید بیش‌تری دارند که این نشان دهنده اندیشه‌های عقلانی - و حیانی حضرت استاد می‌باشد. مهم‌ترین این دلایل عبارت‌اند از:

- منافات تحریف با حکمت و لطف الهی

- منافات تحریف با برهان نبوت

- عدم حجیت قرآن با وقوع تحریف

- اثبات تحریف ناپذیری قرآن با اثبات اعجاز و تحدی قرآن .

همچنین حضرت استاد در باب تحریف ناپذیری قرآن به دلیل عصمت ذاتی قرآن، با استناد به آیاتی چند از جمله ﴿بالحق أنزلناه وبالحق نزل﴾ (اسراء/ ۱۰۵) اشاره می‌نمایند آیت الله خوئی و معرفت به این

موضوع در این مبحث اشاره‌ای ننموده‌اند. در قسمت دلایل قرآنی نفی تحریف، آیت *الله جوادی* با استناد به آیات بیش‌تری از قرآن، دلایل قرآنی فراوانی نسبت به سایر دانشمندان اسلامی بیان می‌نمایند. اکثر دانشمندان اسلامی از جمله آیت *الله خویی* و معرفت بیش‌تر به آیات «حفظ و نفی باطل» استناد می‌نمایند، اما آیت *الله جوادی* بعد از ذکر این دو آیه، به آیات دیگری از جمله آیات زیر اشاره می‌نمایند:

- آیات نور بودن قرآن: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده / ۱۵)

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف / ۸)

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نُورٌ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (توبه / ۳۲)

- آیه رصد: ﴿... فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا لِيَعْلَمَ مَنْ قَدِ ابْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَ

أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا﴾ (جن / ۲۷-۲۸)

- افترا ناپذیر بودن قرآن کریم با آیه ﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ (یونس / ۳۷).

در بخش اختلاف قرائات، آیت *الله خویی* و معرفت، اختلاف قرائات را موجب تحریف قرآن نمی‌دانند و معتقدند که اختلاف در قرائات ناشی از اجتهاد قاریان بوده است. اما استاد *جوادی* با نظری جالب، میان اختلاف قرائات و عدم تحریف، جمع می‌بندد و قرآن را واحد ولی اجازه قرائت‌های مختلف نیز از ناحیه خدا می‌دانند ولی قرائت معصوم را معتبرتر و دارای پشتوانه الهی می‌دانند.

شایان ذکر است آیت *الله خویی*، عدم مخالفت ائمه معصومین به ویژه *امام علی (ع)* با قرآن مرسوم و جاری بین مسلمین را به عنوان یکی از دلایل عدم تحریف قرآن برمی‌شمارند. ایشان بیان می‌نمایند:

«اگر طرفداران تحریف قرآن در خود این آیه نیز که جزئی از قرآن است، احتمال

تحریف بدهند، استدلال نمودن با این آیه بر عدم تحریف قرآن صحیح نخواهد بود، زیرا مستلزم دور است، ولی باید توجه داشت که این ایراد بر کسانی متوجه است که عترت طاهره را از مقام خلافت الهی برکنار نموده‌اند. اما کسانی که اهل بیت را حجت خدا و همدوش و پشتیبان قرآن می‌دانند، از اینگونه ایرادات مصون هستند زیرا به عقیده آنان استدلال نمودن اهل بیت با قرآن موجود و تأیید نمودن آنان همین قرآن را دلیل بر حجیت، مدرکیت و عدم تحریف و تغییر آن می‌باشد» (خویی، ۱۴۳۰ق: ۱۷۶ و ۱۸۴).

در کل می‌توان گفت، در بسیاری از موارد دلایل عقلی و نقلی در اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن، ارائه شده از طرف *استاد جوادی* با سایر دانشمندان اسلامی از جمله آیت *الله خویی* و معرفت، مشابهت دارد. از جمله همگی آنان، دلایل نقلی عدم تحریف را آیات قرآنی، سنت، تواتر قرآن و شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین می‌دانند.

در استناد به سنت نیز، این روایات مورد استدلال همگی قرار گرفته است: ثقلین، عرضه احادیث به

قرآن، مراجعه به قرآن در فتنه‌ها و تلاوت سوره کامل در نمازها.

نتیجه بحث

آنجا که مبحث تحریف جزء مباحث مهم و کلیدی علوم قرآنی است و به اعتبار و حجیت آیات ارتباط دارد، آیت الله جوادی آملی در آثار گوناگونشان به این مقوله پرداخته‌اند.

ایشان تحریف را خارج ساختن چیزی از وضع طبیعی و اصلی آن دانسته و آن را به دو بخش عملی و علمی تقسیم و تحریف علمی را به چهار قسمت زیاده، نقیصه، تغییر حرکات و معنوی تقسیم می‌نمایند.

علامه در خلال آثارشان اثبات می‌کند که تحریف به معنای کم یا زیاد شدن یا تغییر کلمات قرآن، هرگز تحقق نیافته است؛ آنچه درباره قرآن رخ داده و همچنان امکان تحقق دارد، تفسیر ناصحیح و تحریف معنوی با حفظ همه حروف، کلمات، جمله‌ها، آیه‌ها و سوره‌های آن است.

همچنین آیت الله جوادی آملی برای موضوع عدم تحریف در قرآن دلایل زیر را در خلال بحث در آثار مختلفشان ارائه می‌دهد: دلایل قرآنی، دلایل عقلی، شهادت تاریخ، وجود روایات صیانت قرآن از تحریف، حدیث ثقلین، روایات تلاوت سوره کامل در نمازها و روایات فضایل سوره، تواتر قرآن و شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین. حضرت استاد دلایل عقلی رد تحریف را اینگونه بیان می‌نماید: منافات تحریف با حکمت و لطف الهی، منافات تحریف با برهان نبوت، عدم حجیت قرآن با وقوع تحریف، اصل اتمام حجت و هدایتگری مردم، اثبات تحریف ناپذیری قرآن با اثبات اعجاز و تحدی قرآن. همچنین دلایل قرآنی را شامل موارد زیر می‌داند: عصمت ذاتی قرآن (عصمت در تمام مراحل نزول و ابلاغ حفظ و تلاوت بر مردم)، هماهنگی قرآن و عترت، افترا ناپذیری قرآن، آیه حفظ و آیه نفی باطل، آیات نور و آیه رصد.

آیت الله جوادی دلایل نقلی عدم تحریف قرآن را شامل تواتر قرآن، شهادت تاریخ به عدم تحریف، شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین، حدیث ثقلین، روایات صیانت قرآن از تحریف، روایات تلاوت سوره کامل در نمازها و فضایل سوره می‌دانند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید. ۱۴۱۹ق، شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسه علمی.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. ۱۴۱۴ق، الاعتقادات، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آلوسی، محمد. ۱۴۱۵ق، روح المعانی، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
- بلاغی، محمد جواد. بی تا، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۵ش، قرآن در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۱ش، سروش هدایت، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۲ش، قرآن کریم از منظر امام رضا(ع)، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۲ش، نزهت قرآن از تحریف، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۴ش، شریعت در آینه معرفت، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، نسیم اندیشه، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹ش، همتایی قرآن و اهل بیت، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰ش، ادب فنای مقربان، ج ۴، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱ش، مهر استاد، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۲ش، تفسیر تسنیم، جلد ۱، ۱۴، ۱۷، ۱۹، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۲ش، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ش، شمس الوحی تبریزی، قم: اسراء.
- خویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۳۰ق، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- زرکشی، بدرالدین محمد. ۱۴۱۰ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ق، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- صالح، صبحی. ۱۳۷۲ش، مباحث فی علوم قرآن، قم: منشورات رضوی.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البیان، تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر. ۱۳۵۶ش، تفسیر طبری، تهران: توس.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، التبیان، قم: مکتب اعلام الاسلامیه.
- غزالی، محمد بن محمد. ۱۴۱۷ق، احیاء العلوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- قرطبی، محمد بن احمد. ۱۴۰۵ق، تفسیر قرطبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
قمی، میرزا ابوالقاسم. ۱۳۷۴ش، قوانین الاصول، تهران: کتابفروشی اسلامی.
مالک بن انس. ۱۴۲۵ق، موطأ مالک، ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان.
معرفت، محمد هادی. ۱۳۷۹ش، صیانة القرآن من التحریف، تهران: وزارت امور خارجه.
معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۷ش، تاریخ قرآن، تهران: سمت.
معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۷ش، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
معرفت، محمد هادی. ۱۴۱۶ق، التمهید فی علوم القرآن، قم: جامعه مدرسین.

Bibliography

Holy Quran

- Aloosi, Mohammad (1995). Roh-Al-maani. Beirut: Dar-Al-kotob-Al-eslamie.
- Ebn-abi-Al-hadid, Abd-Al-hamid (1999). Description of Nahj-Ol-balaghe. Beirut: Scientific Institute.
- Ebn Babouie (Sodough), Mohammad-ebn-ali. (1994). Al-eteghadat. Beirut: Dar-ol-kotob-elmi.
- Balaghi, Mohammadjavad. (Bita), Ala-arrahman In the commentary of Quran. Beirut: Dar-al-ahya-El-teras.
- Khouei, Seyed Abolghasem. (2009). Expression in science and general issues of the Quran. Qom: Rehabilitation Institute of Emam-Al-khouei works.
- Zarkeshi, Badr-Al-din Mohammad. (1990). Al-borhan in the science of Quran. Beirut: Dar-Al-teras.
- Seyvati, Jalal-Al-din. (1984). Al-dor-al-mansour. Qom: Library of Ayat-allah Marashi.
- Saleh, Sobhi saleh (1993). Topics in Quran science. Qom: Razavi Publication.
- Tabatabaei, Mohammadhossein. (1997). Al-mizan. Qom: Teachers community.
- Tabaresi, Faz-ebn-hassan. (1993). Majma-Ol-bayan. Tehran: Naser-khosro.
- Toosi, Mohammad-ebn-hassan. (1989). Al-tebyan. Qom: Maktab-Ol-elam-Al-eslami.
- Tabari, Mohammad-ebn-jarir. (1977). Tabari Interpretation. Tehran: Toos.
- Qazali, Mohammad-ebn-mohammad. (1997). Ehya-El-olom. Tehran: Scientific Cultural Publishing.

- Fakhr raazi, Mohammad-ebn-omar. (2000). Mafatih-Ol-gheyb. Beirut: Dar-ol-Ehya.
- Qortebi, Mohammad-ebn-ahmad. (1985). Interpretation of Qortebi. Beirut: Dar-ol-Ehya.
- Qomi, Mirza Abolghasem. (1995). Ghavanin-ol-osoul. Tehran: Islami Bookstore.
- Malek-ebn-ons. (2005). Motamalek. Abu Dhabi: Zayed-ebn-soltan Institute.
- Javadi amoli, Abdullah. (2012). Adab Fanaye Mogharaban. Vol4. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2014). Tafsisr tasnim. Vol:1,14,17,19. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2002). Soroush hedayat. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2005). Shariat In the mirror of knowledge. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2015). Shams-Ol-vahy Tabrizi. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (1996). Quran in Quran. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2003). Quran in the view of Emam Reza. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2003). Desperate of Distortion in Qur'an. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2014). Geometry dignity of reason in religious knowledge. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2013). Mohr Ostad. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2009). Nasim Andisheh. Qom: Asra.
- Javadi amoli, Abdullah. (2010). The Qur'an and Ahl al-Bayt counterpart. Qom: Asra.
- Marefat, Mohammadhadi. (1994). Al-tahmid in the Quran Science. Qom: Teacher's community.
- Marefat, Mohammadhadi. (2008). Quran history. Tehran: Samt Publication.
- Marefat, Mohammadhadi. (2008). Quran Science. Qom: Tamhid Cultural Institute.
- Marefat, Mohammadhadi. (2000). Desperate of Distortion in Qur'an. Tehran: Ministry of Foreign Affairs.

Expressing the Intellectual – Revelatory Thoughts of Ayatollah Javadi Amoli on Infallibility of Qur'an

Alireza Khonsha: MA, Quran & Hadith Sciences, Tehran University

Mohammad Javad Saami: Assistant Professor, Art University, Shiraz

Abstract

The distortion issue in Qur'an has been highly paid attention by Islamic intellectuals and scholars especially Shiite elders and has always been debated since the early centuries of Islam; many books on the mentioned subject have been written. Hashwiyah in Sunnite and Ghulāt in Shiite, and a few Akhbaris (such as Sayyid Nematullah Jazayeri and Muhaddith Nouri) have considered Qur'an to be distorted (distorted into shortcomings). But the majority of Shiite and Sunni scholars believe in infallibility of Qur'an. Professor Ayatollah Javadi Amoli has dealt with this issue with a revelatory rational viewpoint and studies the mentioned subject with a deep, effective and stunning expression which the present paper surveys it by applying comparative – analytical librarian method.

Keywords: Quran, frequency, consensus, wisdom.